

آثار و پیامدهای دروغ در خانواده

□ محمدانور عالمی *

چکیده

یکی از صفات زشت در انسان دروغ گفتن یا عادت به دروغ است، این صفت رذیله از منظر آیات و روایات فوق العاده مورد تقبیح واقع شده است به گونه ای از دروغ به عنوان دروازه تمام خباثت یاد گردیده است؛ لذا، در این مقاله به آثار و پیامدهای دروغ در خانواده پرداخته شده است، مشخصاً به تعریف دروغ، ویژگیهای دروغ، احکام دروغ، اقسام دروغ، آثار و پیامدهای دروغ در خانواده مورد بحث و بررسی قرار گرفته که در مجموع نوزده اثر برای دروغ ذکر گردیده است و همینطور به علل و عوامل دروغ، موارد جواز دروغ و راه درمان دروغ و راهکاری مبارزه با آن از منظر آیات و روایات پرداخته شده است.

۱- مقدمه

آنچه که امروزه کمر انسانها را خم و او را زمین گیر کرده است، گناه است؛ گناه در محضر حضرت باری که، همه ای موجودات عالم را به طفیل وجود انسان آفریده، فرصت سر بلند کردن در مقابل خدای متعال را از آدمی سلب کرده است، لذا، انسان روز به روز غرق در لجن زار گناه و معصیت می شود یکی از راههای دوری از گناه، شناخت گناه و مضرات آن در آموزه های دینی است که از جمله آن، گناه دروغ است. دروغ یکی از گناهان زبان است در حالی که با زبان بر اساس روایت ۷۰ گناه قابل انجام است. معراج السعادة، ص ۵۲۷. دروغ جزو گناهان کبیره و صفت بسیار مذمومی است که افراد به سادگی مرتکب آن می شود تنها در صورتی می توان ترمز زبان چموش را کشید که به آثار و نتایج آن از نظر آیات و روایات توجه شود و آموزه های دین بهترین راه را برای پرهیز جامعه و خوانواده از دروغ ارائه نموده است.

۲- تعریف دروغ

دروغ در لغت تعریف خاصی خود را دارد که ذیلا به آن پرداخته می شود.

۲-۱. در لغت

فیومی در مصباح المنیر واژه «کذب» را اینطور معنا می کند: «فَالْكَذِبُ هُوَ الْإِخْبَارُ عَنِ الشَّيْءِ بِخِلَافِ مَا هُوَ سَوَاءٌ فِيهِ الْعَمْدُ وَالْخَطَأُ. المصباح المنیر، ج ۲، ۵۲۸» دروغ خبر دادن بر خلاف واقع است از عمدا باشد و یا از روی خطا.

و ابن درید نیز این واژه را اینطور معنا می کند: «الْكَذِبُ: ضِدُّ الصِّدْقِ. جمهرة اللغة ج ۱، ص ۳۰۴» دروغ ضد راست است.

راغب اصفهانی صدق و کذب را باهم معنا کرده است و می نویسد: در اصل آن دو واژه در سخن و آن هم فقط در خبر استعمال می گردد: «الصِّدْقُ وَالْكَذِبُ أَصْلُهُمَا فِي الْقَوْلِ، ماضیا کان أو مستقبلا، وعدا کان أو غیره، و لا یكونان بالقصد الأول إلا فی القول، و لا یكونان فی القول إلا

في الخبر دون غيره من أصناف الكلام. مفردات ألفاظ القرآن، ص ۴۷۸» راست و دروغ، اصلشان در قول و سخن است فرقی نمی کند در ماضی، حال یا و مستقبل باشد، همینطور فرقی نمی کند دروغ از نوع وعده یا غیر وعده باشد، مقصود اول از دروغ جز در سخن آنهم هم جز در نوع خبری آن، در سایر موارد و اقسام کلام نمی باشد.

راغب در ادامه می فرماید واژه ی صدق و کذب بالعرض به اقسام دیگر کلام نیز، از قبیل استفهام، امر و دعا استعمال می گردد: «و قد یكونان بالعرض في غيره من أنواع الكلام، كالاستفهام والأمر والدعاء. مفردات ألفاظ القرآن، ص ۴۷۸»

۲-۲. در قرآن

کذب در قرآن کریم معنای عام تری دارد که عبارت است از: مطابقت خبر با نیت و مخبر عنه، خبر اگر با مخبر عنه یا عقیده مخبر مطابقت نداشته باشد کذب محسوب می شود ولو اینکه در واقع خبر راست باشد این مطلب از تعریفی که راغب واژه ای «صدق» را به عنوان ضد کذب نموده است، قابل استفاده می باشد: «الصدق: مطابقة القول الضمير والمخبر عنه معا، و متی انخرم شرط من ذلك لم یکن صدقاً تاماً» لذا، اگر اصل خبر راست باشد ولی اعتقاد به خبر وجود نداشته باشد، صدق خبری است ولی صدق مخبری نیست یعنی مخبر دروغ گفته است، در قرآن به این نوع خبر هم کذب اطلاق شده است چنانکه خداوند در قرآن کریم می فرماید: «إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ. المنافقون، ۱» چون منافقان نزد تو آیند، گویند: شهادت می دهیم که تو پیامبر خدا هستی. خدا می داند که تو پیامبرش هستی و خدا شهادت می دهد که منافقان دروغگویند.

پس از نظر قرآن کریم به سخن راست که اعتقاد به آن وجود نداشته باشد، صراحتاً کذب اطلاق گریده است و همینطور راغب بالمناسبه صدیق را اینطور معنا می کند: «صِدِّيق: کسی است که صدق و راستی از او زیاد سر زده است، و گفته شده به چنان شخصی از آن جهت - صدیق - گویند که هرگز دروغ نمی گوید و نیز - صدیق - کسی است که چون عادت به راستگویی دارد دروغی از او سر نمی زند و همچنین گفته اند بلکه - صدیق - به کسی گفته می شود که با قول و

اعتقادش چیزی را به راستی می گوید و صدق خود را با عملش و کردارش ثابت و محقق می دارد. ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ج ۲، ص ۳۸۳»

علامه طباطبایی نیز صدیق را اینطور معنای کند: کلمه (صدیقین) خود دلالت به مبالغه در صدق دارد، یعنی کسانی که بسیار صادق اند. صدق دو مصداق دارد: یکی صدق در زبان؛ دوم صدق در عمل. پس صدیق آن کسی است که: الف. به هیچ وجه دروغ نمی گوید. ب. کاری را که حق بودنش را نمی داند نمی کند. د. سخنی را که راست بودن آن را نمی داند نمی گوید. ترجمه المیزان، ج ۴، ص ۶۵۱.

بنابر این اگر کسی خواهان پرهیز از دروغ باشد لازمه آن این است که از سخن که راست بودن و حق بودن آن را نمی داند پرهیز نماید.

۳- ویژگیهای دروغ

دروغ به عنوان یکی از گناهان کبیره، دارای ویژگیهای منحصر به فرد است که در دیگرگناهان کمتر دیده می شود:

۳-۱. بی نیازی از دروغ در اکثر موارد

در غالب موارد، انسان نیازی به دروغگویی ندارد و می توان به راحتی ترکش کند، اما در بعضی گناهان دیگر غالباً نیاز باعث می شود که انسان مرتکب آن گناه گردد البته که نیاز مجوز گناه نمی شود، مثلاً در سرقت، غالباً فقر و احتیاج سبب می شود که انسان مرتکب آن شود و همینطور در زنا غالباً نیاز جنسی انسان را به سمت آن می کشاند ولی در دروغ بر عکس است یعنی نیاز به دروغ بسیار اندک است.

۳-۲. وسعت و گستردگی مرتکبین دروغ

بعضی گناهان در افراد در سنین خاص و در شرائط خاص شایع است مثلاً نگاه به نا محرم، عمل زنا و لواط فقط در دوران بلوغ و قبل از دوران کهولت و پیری اتفاق می افتد و یا اینکه دزدی در نود و نه در صد در شرائط فقر اتفاق می افتد ولی شروع دروغ از مانی است که انسان صحبت

کردن را فرامی گیرد، و تا لحظه مرگ ادامه دارد، لذا کنترل آن ضروری است.

۴- احکام دروغ

حرمت دروغ در آیات و روایات پر واضح است که به اختصار به آن پرداخته می شود اما این صفت رذیله بگونه مذموم است که حتی با شوخی و ضرری بر آن مترتب نباشد بازهم حرمت آن قابل اثبات است امیرالمؤمنین (ع) در این زمینه می فرماید: لَا يَجِدُ عَبْدٌ طَعْمَ الْإِيمَانِ حَتَّى يَتْرُكَ الْكُذِبَ هَزْلُهُ وَ جِدَّهُ. ترجمه الایمان و الکفر بحار الانوار، ج ۲، ص ۴۶۶ «هیچ بنده ای مزه ایمان را درک نمی کند مگر اینکه از دروغ جدی و یا شوخی پرهیز نماید. نچشیدن طعم ایمان مقدمه برای افتادن در کارهای حرام است و از نظر علمی ثابت شده است که مقدمه حرام حرام است؛ لذا از دروغ کوچک و بزرگ و همینطور از شوخی و جدی آن نهی گردیده است، امام سجاد (ع) می فرماید: «اتَّقُوا الْكُذِبَ الصَّغِيرَ مِنْهُ وَ الْكَبِيرَ فِي كُلِّ جِدٍّ وَ هَزْلٍ. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۶۹، ص ۲۳۵» از کوچک و بزرگ و جدی و شوخی دروغ پرهیز.

لذا فقها در پاسخ این سوال: اگر ما بصورت شوخی دروغ بگوییم ولی ضرری برای کسی نداشته باشد حرام است یا خیر؟

فرموده اند: دروغ گفتن حرام است هر چند به شوخی باشد، مگر این که در کلامش قرینه و علامتی باشد که نشان دهد در آنچه می گوید قصد حکایت ندارد؛ پس در صورتی که مخاطب بفهمد قصد جدی ندارد و شوخی می کند دروغ محسوب نمی شود. جواد تبریزی، استفتاءات جدید، ج ۲، ص ۴۸۷، ناصر مکارم شیرازی، استفتاءات جدید، ج ۳، ص ۱۷۰. لطف الله صافی گلپایگانی، جامع الأحکام، ج ۱، ص ۸۹.

ولی در اکثر گناهان دیگر اگر به شوخی انجام شود، گناه محسوب نمی شود مانند کسی که به شوخی مال دیگران را بر دارد دوباره سر جایش بگذارد.

۵- اقسام دروغ

دروغ دارای اقسام است که این تقسیم بندی دروغ از نویسنده است و مسبوق به سابقه نیست.

۵-۱. دروغ نسبت به انسان

اگر دروغ به انسان نسبت داده شود، دو حالت دارد:

۱-۵-۱. بهتان

اگر گوینده دروغ میدانند که نسبت ناروایی را که به دیگری داده است، دروغ است و طرف مقابل مرتکب چنین معصیتی و کار ناروایی نشده است، ولی از روی اغراض و خواسته‌های نفسانی، همانند دشمنی، کینه و حسد، صفت و یا رفتار ناشایستی را به دیگری نسبت می‌دهد، اصطلاحاً به این بهتان اطلاق می‌شود؛ زیرا فیومی در مصباح المنیر ماده بهتان را از دو باب نقل نموده و آنرا به معنای ترس، تحیر و سرگردانی معنا کرده است: «بَهْتٌ: و (بَهْتٌ) من بَابِي قُرْبٍ و تَعَبٍ دَهْشٍ و تَحْيِيرٍ. المصباح المنیر، ج ۲، ۶۳»

جوهری این واژه را، به معنای ترس، تحیر و سرگردانی معنا کرده است: «بَهْتٌ الرجل، بالكسر، إذا دَهَشَ و تَحْيَرَّ. الصحاح، ج ۱، ص ۲۴۴»

بعضی دیگر این کلمه را به معنای باطلی معنا کرده که دیگران از آن سخن باطل متحیر می‌شوند: «الْبُهْتَانُ و الْبُهَيْتَةُ: الْبَاطِلُ الَّذِي يُتَحْيَرُّ مِنْ بَطْلَانِهِ. المحکم و المحيط الاعظم، ج ۴، ص ۲۸۲»

راغب در مفردات این کلمه را به دروغ مبهوت کننده معنا کرده است: «بُهْتَانًا فَهوَ بَهَاتٌ أَى قَالَ عَلَيْهِ مَا لَمْ يَفْعَلْهُ، فَهوَ مَبْهُوتٌ. تحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، ص ۳۷۳»

بهتان دروغی است که ترس، تحیر و سرگردانی در ذات آن خوابیده است زیرا به گونه‌ی به افراد نسبت ناروا داده است که فرد مورد بهتان و حتی دیگران از آن مبهوت، متحیر، سرگردان و وحشت زده می‌شوند؛ لذا، بهتان زنده یا در حضور متهم به او بهتان می‌زند که در این صورت این گناه ضمن اینکه بهتان است از شدیدترین نوع دروغ نیز می‌باشد، زیرا بهتان زنده در مقابل حضور شخصی ایستاده و به او نسبتی می‌دهد که در وجود او نیست. و یا در غیاب متهم به او بهتان می‌زند و در اینصورت این گناه شدیدتر از غیبت است، زیرا در غیبت نسبت به غیر، راست است ولی در اینجا کذب محض است لذا، روشن است که این عمل، از غیبت بدتر و گناه آن

شدیدتر است.

۲-۱-۵. تهمت

گاهی دروغ نسبت به افراد عنوان تهمت را پیدا می کند، زیرا اهل لغت واژه تهمت را به معنای نسبت دادن بد گمانی خویش به دیگری، معنا کرده اند: «التَّهْمَةُ فَعْلَةٌ مِنَ الْوَهْمِ، وَ التَّاءُ بَدَلٌ مِنَ الْوَاوِ، وَ قَدْ تَفْتَحُ الْهَاءُ. وَ اتَّهَمْتَهُ: أَيْ ظَنَنْتَ فِيهِ مَا نَسَبَ إِلَيْهِ. النِّهَايَةُ فِي غَرِيبِ الْحَدِيثِ وَ الْأَثَرِ، ج ۱، ص ۲۰۱»

تهمت از ریشه وهم، به معنای اظهار بد گمانی، برداشت بد و منفی از رفتار، گفتار یا حالت دیگری، است. پس ریشه تهمت اظهار بدگمانی از رفتار و کردار دیگری است که دروغ باشد اما اگر اظهار بد گمانی مطابق با واقع و راست باشد، می شود غیبت. تفاوت جوهری تهمت و غیبت در راست و دروغ بودن است؛ زیرا در غیبت عیوب پنهانی کسی که از فاش شدن آن ناراحت می شود، پشت سر او باز گو می شود. غیبت اولاً گناه کبیره است و ثانیاً در قرآن کریم از آن نهی گردیده است و ثالثاً غیبت مانند خوردن گوشت برادر مؤمن به حساب می آید: «وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ. الْحَجَرَات، ۱۲» و از یکدیگر غیبت نکنید، آیا هیچ يك از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟ پس آن را ناخوش خواهید داشت.

در روایات به شدت از عیب جوی دیگران نهی گردیده است، لذا، یکی از پیامدهای عیبجوی دیگران رسوای خود انسان است چنانکه رسول خدا (ص) در این باره می فرماید: «لَا تَطْلُبُوا عَثْرَاتِ الْمُؤْمِنِينَ فَإِنَّ مَنْ تَبَعَ عَثْرَاتِ أَخِيهِ تَبَعَ اللَّهُ عَثْرَاتِهِ وَ مَنْ تَبَعَ اللَّهُ عَثْرَاتِهِ يَفْضَحْهُ وَ لَوْ فِي جَوْفِ بَيْتِهِ. الكافي، ج ۲، ص ۳۵۵» لغزشهای مؤمنین را جستجو نکنید، زیرا هر که لغزشهای برادرش را جستجو کند، خداوند لغزشهایش را دنبال کند، و هر که را خداوند لغزشهایش را دنبال کند رسوایش سازد گرچه در درون خانه اش باشد. لذا، اگر سوء ظن و بد گمانی اظهار شود و راست باشد تهمت اگر دروغ باشد غیبت و اگر پنهان گردد به سوء ظن و بدگمانی، مبتلا شده است.

بنابراین خطرات دروغ فوق تصور است زیرا دروغ نسبت به افراد یا تهمت است و یا بهتان که قطعاً گناه تهمت و بهتان از غیبت به مراتب زیادتر است این نکات باید در خوانواده تذکر داده شود.

۵-۲. نسبت دروغ به غیر انسان

اگر دروغ به غیر انسان نسبت داده شود مانند اینکه گفته شود فلان ماشین فرمان ندارد یا فلان کوه راه ندارد و... بازهم احکام دروغ که همان حرمت باشد بر آن بار می شود زیرا قبلاً حرمت مطلق دروغ جز موارد استثنا که در آینده خواهد آمد، اثبات گردید.

۵-۳. دروغ با ضرر

دروغ غالباً موجب انواع ضرر و زیان به افراد دیگر، می شود در این جهت فرقی نیست بین اینکه ضرر مالی باشد یا جانی و یا حیثیتی. ساده ترین ضرر قابل تصور در قالب یک مثال بیان می شود: فردی به دیگری بگوید در فلان منطقه سیل آمده است از قضا خانه شنونده نزدیک رودخانه است ماشین در بست بگیرد خود را به آنجا برساند ببیند که اصلاً بارانی نباریده است چه رسد به سیل، شنونده از این دروغ ضرر مالی و همینطور ترس و وحشت نموده است.

۵-۴. دروغ بی ضرر

ممکن است دروغ به گونه ای باشد که ضرر به هیچ کس وارد نشود مانند این که شخصی به دروغ بگوید منزلی در لندن آتش گرفته است از این خبر هیچ کس ضرر نمی کند یا در جمعی برای خندانند دیگران چیزهای دروغ را بیافند نکته مهم در مورد دروغ است این است که: با تمام اقسامش حرام است لذا باید از ریز، درشت، شوخی و جدی آن پرهیز نمود.

۶- آثار و پیامدهای دروغ در خوانواده

دروغ پیامدهای عجیبی برای انسان دارد؛ لذا پیامدهای دروغ از منظر آیات و روایات در خوانواده مورد بحث قرار می گیرد:

۶-۱. عدم اعتماد عمومی به دروغگو

یکی از آثار دروغ، سلب اعتماد عمومی نسبت به دروغگو است و مردم نسبت به هیچ سخن او اعتماد ندارند روایاتی که بیانگر عدم اعتماد عمومی به دروغگو است: «الْكَذَّابُ مُتَّهَمٌ فِي قَوْلِهِ وَ إِن قَوِيَتْ حُجَّتُهُ وَ صَدَقَتْ لَهْجَتُهُ. شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غرر الحکم، ج ۲، ص ۶۴» دروغگو تهمت زده شده است در آنچه گوید هر چند محکم باشد دلیل او و راست باشد زبان او. در روایات دروغگو و میت یکسان شمرده است چنانکه علی (ع) می فرماید: «الْكَذَّابُ وَ الْمَيِّتُ سَوَاءٌ فَإِنَّ لِأَنَّ فَضِيلَةَ الْحَيِّ عَلَى الْمَيِّتِ الثَّقَةُ بِهِ فَإِذَا لَمْ يُوثَقْ بِكَلَامِهِ فَقَدْ بَطَلَتْ حَيَاتُهُ. شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غرر الحکم، تهران، ج ۲، ص ۶۴» دروغگو و مرده یکسان اند زیرا که مزیت زنده بر مرده، اعتماد بر زنده است پس هرگاه اعتماد بر سخن او نباشد زندگی وی باطل شده است. علی (ع) می در این رابطه می فرماید: «لَيْسَ لِكَذُوبٍ أَمَانَةٌ وَ لَا لِفُجُورٍ صِيَانَةٌ. شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غرر الحکم، تهران، ج ۲، ص ۶۴» نیست از برای بسیار دروغگویی امانتی و نه از برای بسیار فاسقی صیانتی. آدم دروغگو، مورد تصدیق واقع نمی شود: «مَنْ كَثُرَ كَذِبُهُ لَمْ يُصَدَّقْ. شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غرر الحکم، تهران، ج ۲، ص ۶۴» امام علی ع: «مَنْ عُرِفَ بِالْكَذِبِ قَلَّتِ الثَّقَةُ بِهِ. شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غرر الحکم، ج ۵، ص ۲۰۹» کسی که شناخته شود بدروغگویی قبول نشود راست او. راست دروغگو نیز مورد قبول واقع نمی شود: «مَنْ عُرِفَ بِالْكَذِبِ لَمْ يُقْبَلْ صِدْقُهُ. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۲۰»

در علم دروغگو خیری وجود ندارد: «لَا خَيْرَ فِي عِلْمِ الْكَذَّابِينَ. شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غرر الحکم، ج ۶، ص ۳۹۲، تهران»

همینطور در سخن دروغگو هیچ خیر وجود ندارد. «لَا خَيْرَ فِي قَوْلِ الْأَفَّاكِينَ»

امیر المؤمنین (ع) مردم را از رفاقت با دروغگو، بر حذر می دارد: «إِيَّاكَ وَ مُصَادَقَةَ الْكَذَّابِ فَإِنَّهُ كَالسَّرَابِ - يُقَرَّبُ عَلَيْكَ الْبَعِيدَ وَ يُبْعَدُ عَلَيْكَ الْقَرِيبَ. نهج البلاغة - ترجمه شهیدی، ص ۳۶۷» از دوستی دروغگو پرهیز که او سراب را ماند، دور را به تو نزدیک و نزدیک را به تو دور نمایاند.

لذا، رسول خدا (ص) می فرماید: «لَا تُخْبِرَنَّ إِلَّا عَنْ ثِقَةٍ...» شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غرر الحکم، ج ۶، ص ۳۴۲» خبر مده مگر از افراد مورد اعتماد. بنابراین یکی از مهمترین آثار دروغ، سلب اعتماد عمومی و بی اعتمادی عامه مردم نسبت به دروغگو است که بگونه ای که او همیشه در گفتارش متهم است اگرچه استدلالش قوی باشد لذا، این آثار در خوانواده باید تبیین شود تا زمینه دروغ در خانه و فرزندان از بین برود.

۲-۶. دروغ سرچشمه ی نفاق

در قرآن کریم یکی از شاخصه های مهم اهل نفاق را، دروغ بر شمرده است و دروغ جزء ذات اهل نفاق است، این صفت ناپسند به حدی در وجود منافق نفوذ دارد که در همه شرائط و به عنوان یک ابزار بسیار مهم از آن استفاده می کنند، لذا، خدا متعال در چند جای از قرآن کریم تصریح می کند که منافقین، دروغگو هستند «وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ كَاذِبُونَ. المنافقون، ۱»

لذا، دروغ انسان را به سمت نفاق می کشاند: «الْكَذِبُ يُؤَدِّي إِلَى النَّفَاقِ. شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غرر الحکم، ج ۱، ص ۳۱۰»

در بعضی روایات از دروغ به عنوان یکی از درهای ورود به نفاق، یاد شده است، رسول خدا (ص) در این زمینه می فرماید: «الْكَذِبُ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ النَّفَاقِ. الحکم الزاهرة با ترجمه انصار، ص ۵۶۵» دروغگوئی دری از درهای نفاق است.

دروغ و نفاق به گونه ای به هم تنیده است که منافق از سوگند به عنوان پوشش دروغ استفاده می کنند: «وَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنَّهُمْ لَمِنْكُمْ وَمَا هُمْ مِنْكُمْ وَ لَكِنَّهُمْ قَوْمٌ يَفْرَقُونَ. التوبه، ۵۶» به خدا سوگند می خورند که از شمایند و حال آنکه از شما نیستند، اینان از شما بیمناکند.

لذا، دروغ از ابزار بسیار مهم اهل نفاق است و برای باز داشتن مردم از راه خدا از قسم دروغ بهره می گیرند. «اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ. المنافقون، ۲» از سوگندهای خود سپری ساختند و از راه خدا بازداشتند و به حقیقت، آنچه می کنند ناپسند است.

و همینطور از خلف وعده برای گمراهی مردم استفاده می کنند «فَاعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ وَبِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ. التوبه، ۷۷» از آن پس تا روزی که همراه با

آن خلف وعده با خدا و آن دروغها که می‌گفتند با او ملاقات کنند، دل‌هایشان را جای نفاق ساخت.

اهل دروغ و نفاق برای انحراف افکار عمومی از کارهای خیر چون مسجدسازی سوء استفاده کرده مسجد را نه برای عبادت بلکه برای ترور و محاربه استفاده می‌کنند: «وَ الَّذِيْنَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَ كُفْرًا وَ تَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ اِزْوَاجًا لِّمَنْ حَارَبَ اللّٰهَ وَ رَسُوْلَهُ مِنْ قَبْلُ وَ لِيَحْلِفْنَ اِنْ اُرْدْنَا اِلَّا الْحُسْنٰى وَ اللّٰهُ يَشْهَدُ اِنَّهُمْ لَكَٰذِبُوْنَ. التوبه، ۱۰۷» خدا شهادت می‌دهد: آنهایی که مسجدی می‌سازند تا به مؤمنان زیان رسانند و میانشان کفر و تفرقه اندازند و تا برای کسانی که می‌خواهند با خدا و پیامبرش جنگ کنند کمینگاهی باشد، آن گاه سوگند می‌خورند که ما را قصدی جز نیکوکاری نبوده است؛ دروغ می‌گویند.

لذا، اهل نفاق با استفاده از پوشش دروغ به اعمال منافقانه خویش دست می‌زنند.

منافقین حتی یهودیان بنی نضیر را با وعده دروغ فریب دادند وقتی که آنان در محاصره ی شدید قرار گرفتند، راهی جز تسلیم نداشتند، منافقان مدینه به آنان وعده دادند قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «أَلَمْ تَرَ اِلَى الَّذِيْنَ نَافَقُوْا يَقُوْلُوْنَ لِاِخْوَانِهِمُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا مِنْ اَهْلِ الْكِتَابِ لَئِنْ اُخْرِجْتُمْ لَنُخْرِجَنَّ مَعَكُمْ وَ لَا نَطِيْعُ فَيْكُمْ اَحَدًا اَبَدًا وَ اِنْ قُوْتَلْتُمْ لَنَنْصُرَنَّكُمْ وَ اللّٰهُ يَشْهَدُ اِنَّهُمْ لَكَٰذِبُوْنَ. الحشر، ۱۱» آیا منافقان را ندیده‌ای که به یاران خود از اهل کتاب که کافر بودند می‌گفتند: اگر شما را اخراج کنند، ما نیز با شما بیرون می‌آییم و به زیان شما از هیچ کس اطاعت نخواهیم کرد و اگر با شما جنگیدند یاریتان می‌کنیم؟ و حال آنکه خدا می‌داند که دروغ می‌گویند. در این آیه شریفه چند نکته قابل توجه است:

الف. از کفار به عنوان برادر منافقین یاد شده است.

ب. منافقین به کفار وعده هر نوع همکاری تا سرحد مرگ می‌دهند.

ج. در این همکاری جز کفار، اطاعت هیچکسی را نخواهد کرد.

د. خداوند شهادت می‌دهد که منافقین حتی به برادران کافر خویش نیز دروغ می‌گویند.

در ادامه آیه شریفه قرآن کریم کذب و دروغ گوئی منافقین را افشا می‌کند: «لَئِنْ اُخْرِجُوا لَا يَخْرُجُوْنَ مَعَهُمْ وَ لَئِنْ قُوْتَلُوا لَا يَنْصُرُوْنَهُمْ وَ لَئِنْ نَصَرُوْهُمْ لَيُوَلُّنَّ الْاُدْبَارَ ثُمَّ لَا يَنْصُرُوْنَ. الحشر،

۱۲) اگر آنها را اخراج کنند، با آنها بیرون نشوند. و اگر به جنگشان بیایند یاریشان نمی‌کنند، و اگر هم به یاریشان برخیزند به دشمن پشت می‌کنند پس روی یاری نبینند.

لذا، در روایات متعدد دروغ، وعده و خلف وعده را از خصوصیات ویژه اهل نفاق بر شمرده است، امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید: «لِلْمُنَافِقِ ثَلَاثُ عَلَامَاتٍ إِذَا حَدَّثَ كَذَبَ وَإِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ وَإِذَا أُتْمِنَ خَانَ. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۶۹، ص ۲۰۶» منافق سه علامت دارد: هر گاه سخن بگوید مرتکب دروغ می‌گردد، هر گاه وعده دهد خلاف می‌کند و هر گاه امانتی به او دهند خیانت می‌نماید. ترجمه الإیمان و الکفر بحار الانوار، ج ۲، ص ۴۵۰.

منافقین به ظاهر مسلمان و در باطن کافر است لذا علاقه آنان به کفار بدون دلیل نیست اما قرآن کریم مؤمنین را چنین توصیف می‌کند: «لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ. المجادلة، ۲۱» نمی‌یابی مردمی را که به خدا و روز قیامت ایمان آورده باشند، ولی با کسانی که با خدا و پیامبرش مخالفت می‌ورزند دوستی کنند، هر چند آن مخالفان، پدران یا فرزندان یا برادران و یا قبیله آنها باشند. خدا بر دلشان مهر ایمان زده و با روحی از خود یاریشان کرده است و آنها را به بهشت‌هایی که در آن نهرها جاری است درآورد. در آنجا جاودانه باشند. خدا از آنها خشنود است و آنان نیز از خدا خشنودند. اینان حزب خدایند، آگاه باش که حزب خدا رستگارانند.

مؤمنین اهل دروغ نیستند: «وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَالشُّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ. الحديد، ۱۹» کسانی که به خدا و پیامبرانش ایمان آورده‌اند، راستگویان و راستکارانند و شهیدان در نزد پروردگارشان هستند صاحب پاداش و نور خویشند. بنابراین، خانواده و فرزندان باید از توطئه شوم کفار و منافقین آگاهی یابند.

۳-۶. دروغ و کاهش رزق و روزی

یکی دیگر از پیامدهای زیانبار دروغ، کاهش رزق و روزی است در حالی که داشتن دنیا حلال دارای اهمیت فراوان است امام کاظم ع در این زمینه می فرماید: «اجْعَلُوا لِأَنْفُسِكُمْ حَظًّا مِنَ الدُّنْيَا بِاعْطَائِهَا مَا تَشْتَهِي مِنَ الْحَلَالِ وَ مَا لَمْ يَنْلِ الْمَرْوَةَ وَ لَا سَرَفَ فِيهِ وَ اسْتَعِينُوا بِذَلِكَ عَلَى أُمُورِ الدِّينِ فَإِنَّهُ نَزْوِي لَيْسَ مِنَّا مَنْ تَرَكَ دُنْيَاةً لِدِينِهِ وَ دِينَهُ لِدُنْيَاةٍ. بحار الأنوار (ط- بیروت)، ج ۷۵، ص ۳۲۱» برای خودتان بهره‌ای از دنیا قرار دهید، یعنی از حلالی که دوست می‌دارید، و به شرافت شما آسیبی نمی‌رساند، و اسرافی در آن نیست، استفاده کنید. و به مدد این حلال به وظایف دینی خود برسید، چه روایت شده است که: «آن کس از ما نیست که دنیایش را برای دینش، یا دینش را برای دنیایش از دست بنهد.

دروغ در جامعه باعث حبس برکات الهی می‌گردد قرآن کریم در این رابطه می فرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ. الاعراف، ۹۶» اگر مردم قریه‌ها ایمان آورده و پرهیزگاری پیشه کرده بودند برکات آسمان و زمین را به رویشان می‌گشودیم، ولی پیامبران را به دروغگویی نسبت دادند. ما نیز به کیفر کردارشان مواخذه‌شان کردیم. اساساً تحمل برکات الهی برای انسان متخلق به اخلاق اسلامی میسر است و الا انسان تحمل ثروت و بی‌نیازی را ندارد به عنوان نمونه قرآن کریم میفرماید: «كَأَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِيَطْغَى أَنْ رَآهُ اسْتَغْنَى. العلق، ۵ و ۶» حقا که آدمی نافرمانی می‌کند، هر گاه که خویشتن را بی‌نیاز بیند. عبدالمحمد آیتی، ترجمه قرآن، ج ۱، ص ۵۹۷. «لَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَ لَكِنْ يُنَزِّلُ بِقَدَرٍ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ. الشورا، ۲۵» بنابراین، بین گناه (دروغ) و کاهش رزق و روزی ارتباط وثیق وجود دارد لذا، یکی از آثار صداقت ادای امانت است که موجب افزایش رزق می‌گردد از امام صادق ع نقل شده که لقمان به پسرش فرمود: «يَا بُنَيَّ أَدِّ الْأَمَانَاتَ تَسْلَمَ لَكَ دُنْيَاكَ وَ آخِرَتُكَ وَ كُنْ أَمِينًا تَكُنْ غَنِيًّا. وسائل الشيعه، ج ۱۲، ص ۱۵۶» پسر امانت را ادا کن دنیا و آخرت اصلاح می‌گردد امین باش تا غنی شوی.

امیر المومنین (ع) نیز در این باره می فرماید: «اعتیاد الکذب یورث الفقر. ترجمه الإیمان و الکفر بحار الانوار، ج ۲ ص ۴۶۹» هر کس به دروغ عادت کند فقیر می‌شود. رسول خدا: «و

الکذب ينقص الرزق. نهج الفصاحة ص ۳۷۳) و دروغ روزی را کاهش دهد و یکی از مصادق دروغ، قسم دروغ است که باعث فقر نسل انسان می گردد، امام صادق (ع) در این زمینه می فرماید: «الْيَمِينُ الْكَاذِبَةُ تُورِثُ الْعَقَبَ الْفَقْرَ» قسم دروغ باعث فقر و تنگدستی نسل انسان می گردد. ثواب الاعمال، مترجم: انصاری، ص ۴۴۵.

در روایت آمده سخت ترین مجازات از آن دروغگویان است: «أزبى الرِّبَا الكذبُ. من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۲۷۷» معصیتی که عقابش از همگی معاصی بیشتر است، دروغ گفتن است.

یعنی همانطور که ربا، باعث کاهش ثروت می گردد، دروغ نیز بیشترین کاهش را در رزق و روزی انسان به وجود می آورد بنابراین، بررسی آثار گناه در خانواده موجب تربیت و فرزندان می شود.

۴-۶. دروغگو مورد شدت غضب الهی

دروغگو مورد شدت غضب الهی است: «كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَعْلَمُونَ. الصف، ۳» خداوند سخت به خشم می آید که چیزی بگویند و به جای نیاورید. اهل لغت کلمه «كَبُرَ» را به معنای بزرگ و جسیم معنا کرده است: «كَبُرَ، كَصَغَرَ: عَظُمَ وَ جَسِمَ. القاموس المحيط، ج ۲، ص ۲۱۱»

وهمینطور واژه «مقت» را به شدت غضب معنا کرده است یعنی شدت غضب خدای متعال جسیم و بزرگ است، چنانکه زمخشری در تفسیر این آیه می نویسد که اختیار لفظ مقت از جانب خدای متعال به خاطر این است که شدت و رسایی غضب خویش ابراز نماید «اختیر لفظ المقت لأنه أشد البغض و أبلغه. الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل، ج ۴، ص ۵۲۳» و از ترکیب دو واژه «كَبُرَ» و «مقت» غضب غیر قابل وصف حضرت باری تعالی استفاده می گردد اگر قبح گناه دروغ در خانه بیان شود امید به اصلاح خانواده زیاد می گردد.

۴-۶. هدایت ناپذیری دروغگو

تمام پیامبران برای هدایت بشر به رسالت مبعوث گردیده است ولی انسان دروغگو پرداز، از

دائرة هدایت الهی خارج گردیده است معنایش این است زمینه هدایت در انسان دروغگو وجود ندارد قرآن کریم در این زمینه می فرماید: «انَّ اللّٰهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ. الزمر، ۳» خدا آن را که دروغگو و ناسپاس باشد هدایت نمی‌کند. «ان الله لا يهدي من هو مسرف كذاب. غافر، ۲۸» هر آینه خدا هیچ گزافکار دروغگویی را هدایت نمی‌کند.

بنابراین، با توجه به آیات و روایات باید کنترل زبان در خوانواده آموزش داده شود تا زمینه دروغ در جامعه از بین برود.

۶-۶. دروغ علامت خواری و ضعف در نفس

دروغگو، به خاطر ضعف، خفت و حقارت که در نفس خویش احساس می‌کند، مرتکب آن می‌شود تا کمبودهای خویش را با دروغ جبران نماید در صورتیکه دروغ کمبودهای وجودی انسان را تشدید می‌کند. لذا، رسول خدا (ص): «لَا يَكْذِبُ الْكَاذِبُ إِلَّا مِنْ مَهَانَةٍ نَفْسِهِ وَ أَصْلُ السُّخْرِيَّةِ الطَّمَأْنِينَةُ إِلَى أَهْلِ الْكَذِبِ. ترجمه الایمان و الکفر بحار الانوار، ج ۲، ص ۴۷۰» دروغگو بخاطر پستی و دنائت نفس خود دروغ می‌گوید و ریشه استهزاء و ریشخند کردن مردم از اطمینان به سخنان دروغگویان می‌باشد.

امیر المؤمنین (ع) نیز در این رابطه می فرماید: «الْكَاذِبُ مَهَانَةٌ وَ خِيَانَةٌ. شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غرر الحکم، ج ۱، ص ۱۷۹» دروغ گوئی خواری و خیانت است. پس ذلت و خواری از آثار مهم دروغ است: «الْكَاذِبُ مَهَانٌ ذَلِيلٌ. شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غرر الحکم، ج ۱، ص ۹۴» دروغ انسان را معیوب می‌کند: «الْكَاذِبُ يُزْرِي بِالْإِنْسَانِ. شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غرر الحکم، ج ۱، ص ۱۹۲» دروغ آدمی را عینک گرداند. امیر المؤمنین (ع): «الصَّادِقُ عَلَى شَرَفٍ مَنجَاةٍ وَ كَرَامَةٍ وَ الْكَاذِبُ عَلَى شَفَا مَهْوَاةٍ وَ مَهَانَةٍ» راستگویان در قیامت، بالاترین مقامات را خواهند داشت و دروغگویان در پست‌ترین گودالها، خواهند خزید. إرشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۵۱.

امیر المؤمنین (ع): «يَكْتَسِبُ الْكَاذِبُ بِكَذِبِهِ ثَلَاثًا سَخَطَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ اسْتِهَانَةَ النَّاسِ بِهِ وَ مَقَتَ الْمَلَائِكَةِ لَهُ. شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غرر الحکم، ج ۶، ص ۴۸۱» کسب میکند

دروغگو بدروغگوئی خود سه چیز را، غضب خدا را بر او، و خوار شمردن مردم او را، و دشمنی ملائکه مر او را. امیر المؤمنین (ع): «الْكَذِبُ فِي الْعَاجِلَةِ عَارٌ وَ فِي الْآجِلَةِ [الْآخِرَةَ] عَذَابُ النَّارِ. شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غرر الحکم، ج ۲، ص ۳۱» دروغ گوئی در دنیا عار و ننگ است و در آخرت عذاب آتش یعنی سبب آن شود

امیر المؤمنین (ع): «ثَمَرَةُ الْكُذِبِ الْمَهَانَةُ فِي الدُّنْيَا وَ الْعَذَابُ فِي الْآخِرَةِ. شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غرر الحکم، ج ۳، ص ۳۳۲» میوه دروغگوئی خواری در دنیاست و عذاب در آخرت. امیر المؤمنین (ع): «مِنْ مَهَانَةِ الْكُذَّابِ جُودُهُ [الْجُودُ] بِالْيَمِينِ لِغَيْرِ مُسْتَحْلِفٍ. شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غرر الحکم، ج ۶، ص ۲۱» از خواری بسیار دروغگوست جود او بقسم از برای غیر قسم دهنده

بنابراین، برای شکل گیری شخصیت خانواده و فرزندان مرتب آثار بار دروغ بیان شود.

۶-۷. دروغ عامل اضطراب، هراس و بی آبروی

هفتمین اثر دروغ، بی آبروی و رسوایی انسان است، زیرا، انسان تا زمانی محدودی می تواند دروغش را کتمان نماید بالاخره آشکار خواهد و در بین جامعه رسوا و بی حیثیت می شود قرآن کریم در این زمینه می فرماید: «وَ اللَّهُ مُخْرِجٌ مَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ. البقره، ۷۲» و خدا آنچه را که پنهان می کردید آشکار ساخت.

لذا، دروغ رسوا کننده است: «الکذب عیب فاضح. شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غرر الحکم، ج ۱، ص ۱۴۷» دروغ عیبی است رسوا کننده.

عاقبت دروغ، جز ملامت و پیشیمانی نیست امیر المؤمنین (ع) در این زمینه می فرماید: «عاقبة الکذب ملامة و ندامة. شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غرر الحکم، ج ۴، ص ۳۶۳» عاقبت دروغ ملامت و ندامت است یعنی سرزنش و پیشیمانی.

دروغ باعث سرزنش انسان می گردد: «كفأك موبخا على الكذب علمك بأنك كاذب. شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غرر الحکم، ج ۴، ص ۵۸۶» کافیسست ترا سرزنش کننده بر دروغگوئی دانستن تو این را که تو دروغگوئی. فحش و دروغ، موجب عیب گوینده می شود:

«احذر فحش القول و الكذب فانهما يزريان بالقائل. شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غرر الحکم، ج ۲، ص ۲۷۹» حذر کن از سخن دشنام و دروغ پس بدرستی که آنها عینک گرداند گوینده را. بنابراین، بیان آثار رسوا کننده دروغ موجب دروی خوانواده از دروغ خواهد شد ۷-۸. دروغ عامل تاریکی چهره

دروغ بر روح و روان انسان فشار وارد می کند و اگر به چهره ی انسان دروغگو دقت صورت بگیرد، حتما در او حالت تحیر و شرمندگی مشاهده خواهد شد مگر اینکه طرف خیلی به دروغ مهارت داشته باشد که قاطعانه آن را به خورد مردم بدهد.

مراد از سیاه روی چیست؟

۶-۷-۱. رنگ سیاه

ممکن مراد از تاریکی چهره رنگ سیاه باشد البته قطعاً به معنای سیاه زیبا نیست بلکه به معنای سیاهی زشت خواهد بود.

۶-۷-۲. فصاحت و رسوایی

مراد از تاریکی چهره فصاحت و رسوایی باشد زیرا، دروغ که دروازه همه گناهان است، دروغگو بین خلایق رسوا و بی حیثیت می شود.

۶-۷-۳. هردو مراد باشد

هم چهره را تاریک کند و هم در بین خلایق بوسیله ای دروغ بی آبرو و بی حیثیت گردد. لذا، در قرآن کریم می فرماید: «وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُم مُّسْوَدَّةٌ. الزمر، ۶۰» در روز قیامت، کسانی را که به خدا دروغ بسته اند می بینی که رویشان سیاه شده است.

پیغمبر خدا در وصیتی به امیرالمؤمنین (ع): «يَا عَلِيُّ إِيَّاكَ وَ الْكَذِبَ فَإِنَّ الْكَذِبَ يُسْوَدُّ الْوَجْهَ ثُمَّ يُكْتَبُ عِنْدَ اللَّهِ كَذَابًا وَ إِنَّ الصِّدْقَ يُبَيِّضُ الْوَجْهَ وَ يُكْتَبُ عِنْدَ اللَّهِ صَادِقًا وَ اعْلَمْ أَنَّ الصِّدْقَ مُبَارَكٌ وَ الْكَذِبَ مَسْتُوْمٌ. تحف العقول- ترجمه جنتی، ص ۲۹» یا علی: مبادا دروغ بگویی، دروغ موجب روسیاهی است، خداوند، نام صاحبش را در دفتر دروغ گویان ثبت کند و راستگوئی مایه

روسفیدی است، خداوند نام صاحبش را در دفتر راستگویان بنویسد، راستگویی مبارك است و دروغ شوم.

با بررسی که دانشمندان انجام داده اند: دروغ تاثیر منفی بر زیبایی صورت می گزارد و به مرور زمان، پوست صورت را زشت و پیر می کند و سبب تش های عصبی و مغزی در روح و روان می شود.

«دانشمندان با بررسی و آزمایش هایی روی ۱۵۰ زن و مرد دریافتند که حین دروغ گفتن، نورون های مغزی با یکدیگر تداخل پیدا می کند و خون رسانی در کل بدن به ویژه ناحیه سرو صورت کم می شود. بنابراین گزارش، دروغ گفتن، پوست صورت را شل می کند و سبب به وجود آمدن چین و چروک های عمقی و شدید در پوست می شود.

هنگامی که دروغ می گوید، مغز شما با دریافت سیگنال های منفی سبب می شود، صورت شما زشت تر جلوه کند و پوست صورتتان خشن تر و عصبی می شود دروغ گفتن به ارسال پیام های منفی از مغز به کل بدن می انجامد. این پیام ها آثارش را روی صورت نشان می دهد و صورت با واکنش های عجیب و گاهی خشن و بد این سیگنال ها را از خود دور می کند.

<http://avapress.com>

امیر المؤمنین (ع): «من کثر کذبہ قلّ بهاؤہ. عبد الواحد تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم، ص ۲۲۰» هر که دروغگویش بسیار باشد زیباییش اندک است

لذا، یکی از تأثیرات منفی دروغ بالاخص در بین خوانواده ها این است که: سلامتی و زیبای انسان را به مخاطره می اندازد و باعث آبروریزی و سیاهی چهره ای انسان می گردد بنابراین، خوانوده ها برای تربیت چهره های فرهیخته آموزش پرهیز از دروغ را در سر لوحه کار خویش قرار دهد.

۸-۶. دروغ کلید هر بدی و زشتی

دروغ کلید ورود به تمام بدی ها است امام صادق (ع) در این رابطه می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ جَعَلَ لِلشَّرِّ أَقْفَالًا وَ جَعَلَ مَفَاتِيحَ تِلْكَ الْأَقْفَالِ الشَّرَابَ وَ أَشْرُّ مِنَ الشَّرَابِ الْكُذِبُ. بحار

الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۶۹، ص ۲۶۲» خداوند متعال برای هر شری قفل گذاشته است، و کلید همه آنها شراب می باشد و بدتر از آن دروغ است.

و همینطور امام عسکری(ع) از دروغ به عنوان کلید تمام خبائث یاد می کند: «جُعِلَتِ الْخَبَائِثُ فِي بَيْتٍ وَ جُعِلَ مِفْتَاحُهُ الْكَذِبُ. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۶۹، ص ۲۶۳» همه پلیدیها و زشتیها در يك اطاق جمع شده اند و کلید آن اطاق دروغ می باشد. ترجمه الإیمان و الکفر بحار الانوار، ج ۲، ص ۴۷۰.

در تاریخ فاجعه بزرگتر از شهادت امام حسین ع نداریم همین فاجعه با دروغ رقم خورد یزید را جانشین پیغمبر ص معرفی و امام حسین ع را به عنوان طغیانگر علیه جانشین پیغمبر ص، بعد قربه الی الله خون امام ع را ریخت امام سجاد ع: «وَكُلُّ يَتَقَرَّبُونَ إِلَى اللَّهِ بِدَمِهِ» سی هزار نفر به قصد قربت، فرزند پیغمبر را کشتند. مجموعه آثار شهید مطهری . ج ۲۵، ص: ۲۱۵.

لذا، راه ورود به تمام معاصی دروغ است، امام باقر (ع) می فرماید: «لَا يَسْلَمُ أَحَدٌ مِنَ الذُّنُوبِ حَتَّى يَخْزَنَ لِسَانَهُ. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۷۵، ص ۱۷۸» سالم نمی ماند از گناه احدی مگر ننگه دارد زبان خود را.

اگر انسان از دروغ پرهیزد، اکثر مفسد این عالم اصلاح می شود لذا، در روایت است که مردی به امام حسین (ع) عرض کرد، من شخصی گناهکارم که نمیتوانم خود را از معصیت نگهدارم مرا پند و اندرزی بده آنحضرت فرمود: «أَفْعَلُ خَمْسَةَ أَشْيَاءَ وَ أَذْنِبُ مَا سِئَتْ فَأَوَّلُ ذَلِكَ لَا تَأْكُلُ رِزْقَ اللَّهِ وَ أَذْنِبُ مَا سِئَتْ وَ الثَّانِي أَخْرُجُ مِنْ وَلايَةِ اللَّهِ وَ أَذْنِبُ مَا سِئَتْ وَ الثَّلَاثُ أَطْلُبُ مَوْضِعًا لَا يَرَاكَ اللَّهُ وَ أَذْنِبُ مَا سِئَتْ وَ الرَّابِعُ إِذَا جَاءَ مَلِكُ الْمَوْتِ لِيَقْبِضَ رُوحَكَ فَادْفَعْهُ عَنْ نَفْسِكَ وَ أَذْنِبُ مَا سِئَتْ وَ الْخَامِسُ إِذَا أَدْخَلَكَ مَالِكٌ فِي النَّارِ فَلَا تَدْخُلْ فِي النَّارِ وَ أَذْنِبُ مَا سِئَتْ. موسی خسروی، مواعظ امامان، ترجمه جلد هفدهم بحار، ص ۱۱۵» پنج کار را انجام بده بعد هر گناهی مایلی بکن: اول از روزی خدا نخور هر گناهی مایلی بکن. دوم از ولایت خدا خارج شو هر گناهی میخواهی بکن. سوم جایی را پیدا کن که خدا ترا نبیند هر چه میخواهی بکن. چهارم وقتی ملك الموت برای قبض روح تو آمد او را از خود دفع کن هر گناهی میخواهی بکن. پنجم وقتی مالك دوزخ ترا داخل جهنم کرد داخل نشو هرگناهی مایلی انجام ده.

لذا، علی ع می فرماید: «أَبْعَدُ النَّاسِ مِنَ الصَّلَاحِ الْكَذُوبُ». شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غرر الحکم، ج ۲، ص ۴۷۰» دورترین مردم از صلاح انسان دروغگو است. بنابراین، اصلاح دروغ باید از خوانواده شروع شود تا به اصلاح جامعه ختم شود. ۷-۱۰. دروغگو دشمن خدا

دروغگو دشمن خدا است به همین جهت است که امام صادق (ع) می فرماید: «مَنْ حَلَفَ عَلَى يَمِينٍ وَهُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ كَاذِبٌ فَقَدْ بَارَزَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ. محمد علی مجاهدی، پاداش نیکی ها و کیفر گناهان، ص ۵۷۳» کسی که سوگند یاد کند و از نادرست بودن سوگند خود آگاه باشد به منزله آن است که با خدای عز و جل به مبارزه برخاسته است.

۹-۶. دروغ بدترین عادت

از دروغ به عنوان بدترین عادت یاد شده است، امیر المؤمنین (ع) در این باره می فرماید: «لا شیمه اقبح من الكذب. شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غرر الحکم، ج ۶، ص ۳۸۰» هیچ عادت و خلقی زشت تر از دروغ نیست. همینطور شرتترین اخلاق دروغ و نفاق است امیر المؤمنین (ع): «شَرُّ الْأَخْلَاقِ الْكُذِبُ وَ النَّفَاقُ». شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غرر الحکم، ج ۴، ص ۱۶۶» بدترین خصلتها دروغگوئی و نفاق است. «أَقْبَحُ الْخَلَائِقِ الْكُذِبُ». شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غرر الحکم، ج ۲، ص ۳۷۲» زشت ترین خویها دروغگوئیست. دروغ از عادت انسان مسلمان نیست چنانکه رسول خدا می فرماید: «لَيْسَ الْكُذِبُ مِنْ خَلَائِقِ الْإِسْلَامِ». غرر الحکم، ج ۵، ص ۷۴» دروغگوئی از خصلتهای مسلمانی نیست.

۱۰-۶. دروغ علامت بی عقلی

دروغ از عادت انسانهای عاقل نیست بلکه آدمهای احمق مرتکب عمل ناروای کذب می گردد حضرت موسی بن جعفر (ع) به هشام فرمود: «يَا هِشَامُ إِنَّ الْعَاقِلَ لَا يَكْذِبُ وَإِنْ كَانَ فِيهِ هَوَاهُ. الكافي، ج ۱، ص ۱۹» ای هشام، عاقل دروغ نمی گوید و اگر چه هوا و خواهش او در آن دروغ باشد.

از این جهت است که امیر المؤمنین (ع): «ما کذب عاقل. شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غرر الحکم، ج ۶، ص ۶۵» عاقل دروغ نمی گوید.

۱۱-۶. دروغ علامت بی ایمانی

دروغگو از ایمان کافی برخوردار نیست قرآن کریم در این زمینه می فرماید: «إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَاذِبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْكَاذِبُونَ. النحل، ۱۰۵» کسانی دروغ می بافند که به آیات خدا ایمان ندارند. اینان خود دروغگویند.

سیوطی روایتی را پیرامون آیه شریفه نقل می کند که ابودردا از رسول (ص) می پرسد، آیا مؤمن دروغ می گوید؟ آنحضرت در جواب می فرماید: «لا يؤمن الله ولا باليوم الآخر من إذا حدث كذب. الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۴، ص ۱۳۱» کسیکه دروغ بگوید به خدا و روز قیامت ایمان ندارد.

از رسول خدا (ص) سؤال شد «يَكُونُ الْمُؤْمِنُ جَبَانًا قَالَ نَعَمْ قِيلَ وَ يَكُونُ بَخِيلًا قَالَ نَعَمْ قِيلَ وَ يَكُونُ كَذَّابًا قَالَ لا. ترجمه الإیمان و الكفر بحار الانوار، ج ۲، ص ۴۶۹» آیا مؤمن ترسو هست فرمودند آری، گفته شد: بخیل هم می باشد فرمودند: آری، سؤال شد: آیا دروغ هم می گوید، فرمود: خیر.

بنده هرگز طعم ایمان را نمی چشد مگر اینکه از دروغ و شوخی بپرهیزد امیر المؤمنین (ع) در این زمینه می فرماید: «لَا يَجِدُ عَبْدٌ طَعْمَ الْإِيمَانِ حَتَّى يَتْرُكَ الْكَذِبَ هَزْلَهُ وَ جِدَّهُ. ترجمه الإیمان و الكفر بحار الانوار، ج ۲، ص ۶۶» هیچ بنده ای مزه ایمان را درک نمی کند مگر اینکه از دروغ چه جدی و یا شوخی دست بردارد.

امیر المؤمنین (ع) می فرماید: «جَانِبُوا الْكَذِبَ فَإِنَّ الْكَذِبَ مُجَانِبُ الْإِيمَانِ أَلَا وَ إِنَّ الصَّادِقَ عَلَى شَفَا مَنْجَاةٍ وَ كَرَامَةٍ أَلَا وَ إِنَّ الْكَاذِبَ عَلَى شَفَا مَحْزَاةٍ وَ هَلَكَةٍ. ترجمه الإیمان و الكفر بحار الانوار، ج ۲، ص ۴۷۰» از دروغ دوری کنید که دروغ با ایمان مغایرت دارد، راستی آدمی را از لغزش نجات می دهد و گرامیش می دارد، ولی دروغ انسانی را به سقوط می کشاند و هلاک می کند. دروغ ایمان را نابود می کند رسول خدا (ص) می فرماید: «الکذب هو خراب الإیمان».

ارشاد القلوب، ترجمه عبدالحسین رضایی، ج ۱، ص ۴۲۰» همانا دروغگو ویران‌کننده‌ی ایمان است. امیر المؤمنین (ع): «كَثْرَةُ الْكُذِبِ تُفْسِدُ الدِّينَ وَ يُعْظِمُ الْوِزْرَ. شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غرر الحکم، ج ۴، ص ۵۹۷» بسیاری دروغ دین را فاسد می‌کند، و گناه را بزرگ می‌گرداند.

دروغگو برای فریب و تشویش افکار و اذهان عمومی دست به این عمل می‌زند و به همین خاطر است که ایمان به خدا و روز جزا ندارد، زیرا علی (ع) می‌فرماید: «عَلَامَةُ الْإِيمَانِ أَنْ تُؤْتِرَ الصِّدْقَ حَيْثُ يَضُرُّكَ عَلَى الْكُذِبِ حَيْثُ يَنْفَعُكَ. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۲، ص ۴۶۸» نشانه ایمان اینست که راستی با زیان برگزینی بر دروغ سود بخش. اخلاق اسلامی، ترجمه جلد پانزدهم بحار الانوار، ص ۲۴۹.

از این جهت است که بزرگترین خطاها نزد حضرت باری تعالی، زبان دروغگو هست: «اعظمُ الخطايا عندَ اللهِ اللسانُ الكذوبِ. نهج الفصاحه، ص ۲۲۲» سر گناهان، زبان دروغ پرداز است.

بنابراین، با بررسی آثار مخرب دروغ در خانواده طعم ایمان را، به خوانواده‌ها بچشانیم.

۱۲-۶. دروغ عامل فراموشی

یکی دیگر از آثار دروغ فراموشی است وقتی انسان زیاد مرتکب دروغ می‌شود، سخنان گذشته وی یادش می‌رود و دچار فراموشی می‌شود امام صادق (ع) در این زمینه می‌فرماید: «إِنَّ مِمَّا أَعَانَ اللَّهُ بِهِ عَلَى الْكُذَّابِينَ النَّسِيَانَ. الكافي، ج ۲، ص ۳۳۸» از چیزهایی که خداوند بوسیله آن بدروغگویان کمک کرده است فراموشی است. ۱۵-۷. دروغ عامل فسق

انسان که از دروغ ابا ندارد فاسق است در قرآن کریم به این نکته اشاره شده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَبَيِّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحَبُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ. الحجرات، ۶» ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر فاسقی برایتان خبری آورد تحقیق کنید، مباد از روی نادانی به مردمی آسیب برسانید، آن گاه از کاری که کرده‌اید پشیمان شوید.

۶-۱۳. دروغگو مورد لعن خدا و ملائک

در آیات و روایات دروغگو مورد لعن واقع شده است: «وَ الْخَامِسَةَ أَنَّ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كَانَ مِنَ الْكَاذِبِينَ. النور، ۷» و بار پنجم بگوید که لعنت خدا بر او باد اگر از دروغگویان باشد. رسول خدا (ص): «الْمُؤْمِنُ إِذَا كَذَبَ مِنْ غَيْرِ عُدْرٍ لَعَنَهُ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ وَ خَرَجَ مِنْ قَلْبِهِ نَسْنٌ حَتَّى يَبْلُغَ الْعَرْشَ وَ يَلْعَنُهُ حَمَلَةُ الْعَرْشِ وَ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِ لِتِلْكَ الْكَذِبَةِ سَبْعِينَ زَنْبَةً أَهْوُنُهَا كَمَنْ يَزْنِي مَعَ أُمَّه. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۶۹، ص ۲۶۳» مؤمن هر گاه بدون عذر دروغ بگوید هفتاد هزار فرشته او را لعنت می‌کنند و از درونش بوئی خارج می‌گردد که تا عرش می‌رسد و حاملان عرش او را لعنت می‌نمایند، خداوند برای آن گناه هفتاد زنا برای او می‌نویسد که پست‌ترین آنها زنای با مادرش می‌باشد.

۶-۱۴. قسم دروغ موجب ورود به جهنم

دروغ و قسم دروغ از گناهایی است که اسباب ورود به جهنم را فراهم می‌کند، قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَ لَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَ لَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَا يُزَكِّيهِمْ وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ. آل عمران، ۷۷» کسانی که عهد خدا و سوگندهای خود را به بهایی اندک می‌فروشدند در آخرت نصیبی ندارند و خدا در روز قیامت نه با آنان سخن می‌گوید و نه به آنان می‌نگرد و نه آنان را پاکیزه می‌سازد و برایشان عذابی دردآور است.

امام صادق (ع) در این رابطه می‌فرماید: «وَ أَمَّا الَّتِي عُقُوبَتُهَا دُخُولُ النَّارِ فَهِيَ أَنْ يَحْلِفَ الرَّجُلُ عَلَى مَالِ امْرِئٍ مُسْلِمٍ أَوْ عَلَى حَقِّهِ ظُلْمًا فَهَذِهِ يَمِينٌ غَمُوسٌ تُوجِبُ النَّارَ وَ لَا كَفَّارَةَ عَلَيْهِ فِي الدُّنْيَا. من لايحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۶۷» سوگند که عقوبتش ورود در آتش دوزخ است، آن سوگند است که انسان به ستم بر ضد فرد مسلمان، از جهت مالی یا حق غیر مالی سوگند خورد. این، سوگند دروغ است که مایه آتش است و هیچ کفاره ای در دنیا ندارد.

امام صادق (ع) می‌فرماید: «الْيَمِينُ الْغَمُوسُ الَّتِي تُوجِبُ النَّارَ الرَّجُلُ يَحْلِفُ عَلَى حَقِّ امْرِئٍ مُسْلِمٍ عَلَى حَبْسِ مَالِهِ. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۲۷» سوگند دروغ آن سوگندی که

صاحبش را در گناه غرق بنماید و موجب آتش دوزخ شود آنست که انسان برای توقیف مال مسلمانی نزد حاکم بدروغ قسم خورد. سوگند دروغ از گناهان کبیره است که سبب غضب الهی می شود. ابن مسعود می گوید از رسول خدا شنیدم که فرمود: «مَنْ حَلَفَ عَلَى يَمِينٍ كَاذِبَةٍ لَيَقْطَعَ بِهَا مَالَ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ لَقِيَ اللَّهَ وَهُوَ عَلَيْهِ غَضَبَانِ. تفسير نور الثقلين، ج ۱، ص ۳۵۶» رسول خدا (ص) می فرماید: «قَالَ ثَلَاثَةٌ لَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ الْمَنَّانُ الَّذِي لَا يُعْطِي شَيْئًا إِلَّا بِمَنَّةٍ وَ الْمُسْبِلُ إِزَارَهُ وَ الْمُتَّفِقُ سِلْعَتَهُ بِالْحَلْفِ الْفَاجِرِ. الخصال، مترجم، فهری زنجانی، احمد، ج ۱، ص ۲۰۱» خداوند با سه کس سخن نگوید: آنکه هیچ بی منت ندهد و آنکه با تکبر دامن کشان راه برود و آنکه کالای خود را با سوگند دروغ رواج دهد. به سه دسته دیگر نیز خداوند سخن نمی گوید، امام صادق (ع) فرمودند: «ثَلَاثَةٌ لَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ الشَّيْخُ الرَّزَّانِي وَ الدَّيُّوثُ وَ الْمَرْأَةُ تُوطِئُ فِرَاشَ زَوْجِهَا. من لا يحضره الفقيه، ج ۵، ص ۳۳۴» سه گروه را خداوند مورد لطف قرار ندهد و با ایشان در قیامت سخن نگوید، و بایشان نظر رحمت نیفکند، و آنان را پاکیزه از گناه نسازد و برای ایشان عذاب و کیفری سخت در کمین باشد، پیر زناکار، و آنکه نسبت به همسر خود غیرت نرزد، و آن بانویی که مرد اجنبی را در بستر شوهر خویش نزد خود بخواباند. امیر المؤمنین (ع) فرمود: آیا شما را خبر ندهم به بزرگترین زناها؟ عرض کردند: بفرمائید، فرمود: «هي امرأة توطي فراش زوجها، فتأتي بولد من غيره فتلزمه زوجها، فتلك التي لا يكلمها الله و لا ينظر إليها يوم القيامة و لا يزكيها و لها عذاب اليم. من لا يحضره الفقيه، ترجمه علی اکبرغفاری، ج ۵، ص ۳۰۲» زناي آن زنیست که مرد دیگری را به بستر شوهرش آورده و از وی دارای فرزند گشته و آن فرزند را بشوهر واقعی خود بسته، این زن همانست که خداوند در قیامت با او سخن نگوید و بدو نظر رحمت نیفکند، و او را نیامرزد، از گناه پاک نسازد، و برای او عذاب و کیفری بسیار دردناک در پی خواهد بود.

علی (ع): «ثمرة الكذب المهانة في الدنيا و العذاب في الآخرة. شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غرر الحکم، ج ۳، ص ۳۳۲» میوه دروغگوئی خواری در دنیاست و عذاب در آخرت.

دروغ در نهایت انسان را به جهنم می برد، رسول خدا (ص): «إِنَّ الْكُذْبَ يَهْدِي إِلَى الْفُجُورِ،

وَإِنَّ الْفُجُورَ يَهْدِي إِلَى النَّارِ. ترجمه الإیمان و الکفر بحار الانوار، ج ۲، ص ۴۶۷ «دروغ انسان را به کارهای بد می‌کشاند و کارهای بد هم سرانجام آدمی را به دوزخ می‌برد. دروغ موجب فساد همه چیز است امیرالمؤمنین (ع) در این زمینه می‌فرماید: «الْكَذِبُ فَسَادٌ كُلُّ شَيْءٍ». شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غرر الحکم، ج ۱، ص ۲۸۱ «دروغ فساد هر چیزی است.

۱۵-۶. گواهی دروغ معادل شرک به خدا

یکی از مصادق مهم دروغ، شهادت دروغ که معادل شرک به خدا است پیامبر گرامی اسلام (ص) در این زمینه می‌فرماید: «إِنَّ شَهَادَةَ الزُّورِ تُعَادِلُ الشَّرْكَ بِاللَّهِ تَعَالَى ثُمَّ تَلَا قَوْلَهُ تَعَالَى فَاجْتَنِبُوا الرَّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ. مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۴۱۶» شهادت دروغ با شرک به خدا برابری می‌کند. سپس گفتار خداوند را تلاوت فرمود: «از پلیدی بتها دوری کنید و از سخن دروغ پرهیزید»

چه زشت است که انسان به خاطر دیگران شهادت دروغ بدهد و چه زیبا است که خواننده‌ها با این گناه بزرگ آشنا و از آن برحذر داشته شود.

۱۶-۶. قسم دروغ عامل خشکیدن زمین

یکی از دروغهای رایج بین مردم، قسم دروغ است که یکی از پیامدهای آن، خشکسالی و کم شدن ریزشهای آسمانی است و اگر در جامعه قسم دروغ رواج پیدا کند، باران رحمت الهی در آن قطع خواهد شد امام جعفر صادق (ع) فرمود: «الْيَمِينُ الْكَاذِبَةُ تَدْعُ الدِّيَارَ بِلَاقِعٍ مِنْ أَهْلِهَا. من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۶۷» قسم دروغ، موجب می‌شود که زمین، مانند بیابانی خشک و عاری از آبادانی گردد. محمد حسین صفاخواه، گلچین صدوق، ج ۲، ص ۷۹.

پیامد قسم دروغ، دامن دروغگورا می‌گیرد، امام جعفر صادق (ع) فرمود: «الْيَمِينُ الْغَمُوسُ يُنْتَظَرُ بِهَا أَزْبَعِينَ لَيْلَةً. ثواب الاعمال، ترجمه حسن زاده، ص ۵۲۳» کیفر سوگند دروغ پس از چهل روز برسد.

بنابراین دروغ پیامدهای منفی بی شماری دارد که جامعه و خواننده‌ها باید از آن پرهیز نمایند.

۷- علل و عوامل دروغ

دروغ مانند افعال دیگر انسان علل و عواملی دارند که انسان به آن، جهت مرتکب دروغ می شود.

۱-۷. حسد

یکی از مهم ترین علل دروغ، حسادت است، حسادت که برادران یوسف تصمیم به قتل یوسف گرفتند: «إِذْ قَالُوا لَيُوسُفُ وَأَخُوهُ أَحَبُّ إِلَيْنَا مِمَّا وَنَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّ أَبَانَا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ، اقْتُلُوا يُوسُفَ أَوْ اطْرَحُوهُ أَرْضًا يَخْلُ لَكُمْ وَجْهُ أَبِيكُمْ وَتَكُونُوا مِنْ بَعْدِهِ قَوْمًا صَالِحِينَ. یوسف، ۸ و ۹» آن گاه که گفتند: یوسف و برادرش نزد پدرمان محبوب تر از ما هستند، حال آنکه ما خود گروهی نیرومندیم. پدرمان در گمراهی آشکاری است. یوسف را بکشید، یا در سرزمینی دیگرش بیندازید تا پدر خاص شما گردد و از آن پس مردمی شایسته به شمار آید.

امیر المؤمنین (ع) نیز به خاطر شخصیت فوق العاده اش مورد حسادت دیگران قرار گرفت لذا، نقل شده که آنحضرت به پیغمبر (ص) شکایت نمود که مردم نسبت به من حسادت می ورزند، پیامبر ص در جواب آنحضرت فرمود: «أما ترضى أن تكون رابع أربعة: أول من يدخل الجنة أنا و أنت و الحسن و الحسين. الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل، ج ۴، ص ۲۲۰» آیا راضی نمی باشی جزء چهار نفری اول باشی که وارد بهشت می شود و آنها من و تو و حسن و حسین (ع) است.

جالب بود که این حسادت در خوانواده یعقوب پیغمبر اتفاق افتاد و باعث تراژدی غم انگیز یعنی انداختن یوسف در چاه شود انکار قضیه غدیر نیز بزرگترین دروغ فاجعه بار عالم بود.

۲-۷. شیطان

از دیگر علل دروغ، شیطان است که دائماً در ذهن انسان وسوسه کرده و او را وادار به دروغ می کند.

هَلْ أُنَبِّئُكُمْ عَلَىٰ مَنْ تَنَزَّلُ الشَّيَاطِينُ، تَنَزَّلُ عَلَىٰ كُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ، يُلْقُونَ السَّمْعَ وَ أَكْثَرُهُمْ كَاذِبُونَ.

الشعرا، ۲۲۲، ۲۲۱، ۲۲۳) آیا شما را آگاه کنم که شیاطین بر چه کسی نازل می‌شوند؟ بر هر بسیار دروغگوی گنهکار نازل می‌شوند، گوش فرا می‌دهند و بیشترین شان دروغ‌گویانند. زمینه تربیت خانواده‌ها بادوری از القات شیطانی در جهت ارتکاب دروغ، فراهم می‌شود.

۷-۳. شهوت و گناه

شهوت و گناه باعث شد که زن عزیز مصر موقعیت عالی خویش را به خطر اندازد و مرتکب گناه شود و برای مخفی کردن خطای خود مجبور شد دروغ بگوید.

«وَاسْتَبَقَا الْبَابَ وَقَدَّتْ قَمِيصَهُ مِنْ دُبُرٍ وَأَلْفِيَا سَيِّدَهَا لَدَى الْبَابِ قَالَتْ مَا جَزَاءُ مَنْ أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوءًا إِلَّا أَنْ يُسْجَنَ أَوْ عَذَابٌ أَلِيمٌ. يوسف، ۲۵) هر دو به جانب در دویدند و زن جامه او را از پس بدید و شوی آن زن را نزدیک در دیدند. زن گفت: جزای کسی که با زن تو قصد بدی داشته باشد چیست، جز اینکه به زندان افتد یا به عذابی دردآور گرفتار آید؟

در جای دیگر از قرآن کریم می‌فرماید: «وَلِكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٌ. الجاثیه، ۷) وای بر هر دروغ پرداز گناهکاری!

آیه الله مکارم در ذیل این آیه می‌نویسد: «"افاك" صیغه مبالغه است، و به معنی کسی است که بسیار دروغ می‌گوید، و گاه به کسی که دروغ بزرگ می‌گوید هر چند زیاد هم نباشد گفته شده. "اثیم" از ماده "اتم" به معنی مجرم و گنهکار است، و آن نیز معنی مبالغه را می‌دهد.

از این آیه به خوبی روشن می‌شود که موضعگیری خصمانه در برابر آیات الهی کار کسانی است که سر تا پا آلوده گناه و کذب و دروغند، نه پاك نهادان راستگو. تفسیر نمونه، ج ۲۱، ص ۲۳۶

لذا، یکی از عوامل دروغ، گناه و شهوت است که با توجه به آموه‌های دین در خانواده راه‌های کنترل شهوات، ارائه شود از این طریق به کنترل دروغ در خانواده موفق شویم.

۷-۴. حفظ موقعیت اجتماعی

حفظ موقعیت اجتماعی از جمله مواردی است که انسان را وادار به دروغ می‌کند سید محمد امین در باره می‌نویسد: «گاهی انسان از یک مقام خاص اجتماعی برخوردار است و گاهی در

اجراء و اداره امور محوله و مسئولیتی که به عهده گرفته کوتاهی می کند و به عللی از جمله ضعف و یا سوء مدیریت توفیق حاصل نمی شود لذا وقتی از طرف مقام بالاتر مورد سؤال قرار می گیرد برای حفظ منصب و عنوان اجتماعی و پوشاندن عیوب و لغزشهای خود متوسل به دروغ می شود و حفظ موقعیت خود را در گفتن مطالب خلاف واقع می داند. سید محمد امین، آفات زبان، ص ۸۲»

۷-۵. جلب منافع و دفع مضرات

جلب منفعت و دفع ضرر نیز از عوامل دروغ است انسان به خاطر جلب منفعت مرتکب عمل دروغ می گردد: «گاهی انسان مشاهده می کند که ضرری متوجه او و منفعتی متوجه دیگری شده است. برای اینکه این زیان را از خود دور و متوجه دیگری سازد و یا منفعتی را که متوجه دیگری شده به سوی خود جلب نماید و به لحاظ اینکه اقتضاء طبع انسان جلب منفعت و دفع ضرر خویش است، این حالت انگیزه ای بسیار قوی در جهت گفتن دروغ به شمار می رود. آفات زبان، ص ۸۲»

بنابراین، تربیت در خانه باید بگونه ای قوی باشد که جلب منافع و دفع مضرات اهل این خانه را وادار به دروغ نکند.

۸- موارد جواز دروغ

در چندین مورد دروغ جایز بلکه در موارد چون حفظ مال، جان ناموس خود و دیگران، و اصلاح ذات البین باید دروغ گفت و در غیر این صورت دروغ گفتن جایز نیست.

۸-۱. حفظ جان، مال و عرض مسلمان

حفظ جان، مال و ناموس از مهم ترین موارد جواز دروغ اند اگر کسی از جان، مال و عرض خود و یا مسلمان دیگر در معرض خطر قرار بگیرد، می تواند برای نجات خود یا دیگری مرتکب دروغ گردد

راوی گوید: از امام رضا (ع) پرسیدم در باره مردی که حاکم و یا سلطان او را وادار میکنند که

زنش را با سوگند طلاق دهد، و او هم از ترس و زجر سلطان و یا حاکم سوگند یاد می کند و زنش مطلقه می گردد؟ آنحضرت در جوابم فرمود: «لا جناح علیه، و سألته عن رجل يخاف على ماله من السلطان، فيحلف لينجو به منه؟ قال: لا جناح عليه، و سألته هل يحلف الرجل على مال أخيه كما على ماله؟ قال: نعم. عزيز الله عطاردی، اخبار و آثار حضرت امام رضا (ع)، ص ۷۶۶»

با زور و ترس سوگند و طلاق جایز نیست، و آن مرد میتواند بعد از این با زن خود زندگی کند، و به آن سوگند و طلاق توجه نکند. بار دیگر پرسید مردی از سلطان و حاکم میترسد و سوگند میخورد تا از دست او نجات پیدا کند. فرمود: این سوگند هم اعتبار و ارزش شرعی ندارد، بار دیگر سؤال کردم مردی میتواند برای مال برادرش سوگند یاد کند، همان طور که برای مال خودش قسم میخورد فرمود: آری.

و جوب تقیه نیز، برای حفظ جان، مال و ناموس است که خدای متعال در قرآن کریم می فرماید: « لا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً. آل عمران، ۲۸ » نباید مؤمنان، کافران را به جای مؤمنان به دوستی برگزینند. پس هر که چنین کند او را با خدا رابطه ای نیست. مگر اینکه از آنها بیمناک باشید.

امام صادق (ع) به معلی بن خنیس می فرماید: « يَا مُعَلَّى إِنَّ التَّقِيَّةَ دِينِي وَ دِينُ آبَائِي وَ لَا دِينَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۲، ص ۷۴ » بنا براین، تقیه نوعی دروغ است که از نظر شرع مقدس واجب گردیده است.

راست مضر باشد حکم دروغ را دارد، انسان برای دفع ضرر جائز است که دروغ بگوید: امام رضا (ع): «إِنَّ الرَّجُلَ لَيَصْدُقُ عَلَى أَخِيهِ فَيَنَالُهُ عَنَّتْ مِنْ صِدْقِهِ فَيَكُونُ كَذَابًا عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّ الرَّجُلَ لَيَكْذِبُ عَلَى أَخِيهِ يُرِيدُ بِهِ نَفْعَهُ فَيَكُونُ عِنْدَ اللَّهِ صَادِقًا. آداب معاشرت از دیدگاه معصومان، ص ۱۸۶» همانا مرد به برادر دینی اش سخن راستی بگوید تا وی را برنجاند، چنین شخص نزد پروردگار کذاب به شمار آید، و همانا مرد به برادر دینی خود دروغ بگوید و قصدش از دروغ، سود رساندن به او باشد، وی نزد خدا راستگو به شمار آید. امیرالمؤمنین (ع): «أَحْلِفْ بِاللَّهِ كَاذِبًا وَ أَنْجِ أَحَاكَ مِنَ الْقَتْلِ. من لا يحضره الفقيه، ترجمه غفاری، ج ۴، ص ۵۱۲.» بخدا به دروغ سوگند بخور تا برادر دینی خود را از کشتن نجات دهی. اگر در خانه چنین مفاهیم با ارزشی برای اهل

خانه گفته شود، کمک زیادی به اصلاح جامعه خواهد شد زیرا، زیرا هسته جامعه در خانواده است.

۸۲. اصلاح ذات البین

از دیگر موارد جواز دروغ، اصلاح ذات البین است که در موارد برای رفع اختلاف و نزاع، می توان دروغ گفت امام جعفر صادق (ع) فرمود: «كُلُّ كَذِبٍ مَسْئُولٌ عَنْهُ صَاحِبُهُ يَوْمًا إِلَّا كَذِبًا فِي ثَلَاثَةٍ... أَوْ رَجُلٌ أَصْلَحَ بَيْنَ اثْنَيْنِ يَلْقَى هَذَا بَغَيْرِ مَا يَلْقَى بِهِ هَذَا يُرِيدُ بِذَلِكَ الْإِصْلَاحَ مَا بَيْنَهُمَا. ترجمه ایمان و الکفر بحار الانوار، ج ۲، ص ۶۵» هر دروغی برای دروغگو مسئولیت دارد مگر در سه مورد ... مردی که قصد اصلاح بین دو نفر را دارد و سخن آنها را به هم می‌رساند.

پیغمبر خدا (ص) در وصیتی به امیر المؤمنین (ع) می‌فرماید: «يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ أَحَبُّ الْكُذِبِ فِي الصَّلَاحِ وَ أَبْغَضُ الصِّدْقِ فِي الْفَسَادِ. وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، ج ۱۲، ص ۲۵۲» یا علی، خداوند دروغ را برای اصلاح بین مردم دوست می‌دارد و راستگویی را که سبب فساد شود نمی‌پسندد. امام صادق (ع): «إِنَّ الْمُصْلِحَ لَيْسَ بِكَذَّابٍ إِنَّمَا هُوَ الصُّلْحُ لَيْسَ بِكَذِبٍ. الكافي، ج ۲، ص ۲۱۰» به راستی که شخص مصلح، دروغگو نیست همانا آن صلح و سازش است و دروغ نیست. اصول کافی، ترجمه کمره‌ای، ج ۴، ص ۶۲۳. بنابراین، باید در خانواده موارد جواز دروغ آموزش داده شود.

۸۳. در جنگ با دشمن

در جنگ با دشمن نیز می‌توان دروغ گفت، امام جعفر صادق (ع) فرمود: «كُلُّ كَذِبٍ مَسْئُولٌ عَنْهُ صَاحِبُهُ يَوْمًا إِلَّا كَذِبًا فِي ثَلَاثَةٍ رَجُلٌ كَانِدٌ فِي حَرْبِهِ فَهُوَ مَوْضُوعٌ عَنْهُ. ترجمه ایمان و الکفر بحار الانوار، ج ۲، ص ۶۵» هر دروغی برای دروغگو مسئولیت دارد مگر در سه مورد مردی که در جنگ شرکت دارد و باید اسرار جنگی را حفظ کند.

همینطور پیغمبر (ص) فرمود: «ثَلَاثَةٌ يَحْسُنُ فِيهِنَّ الْكُذِبُ الْمَكِيدَةُ فِي الْحَرْبِ. ترجمه ایمان و الکفر بحار الانوار، ج ۲، ص ۹۱» سه چیز است که دروغ در آن نیکو می‌باشد، مکر و فریب در هنگام جنگ. بنابراین بکارگیری حيله ی جنگی و همینطور دروغ در این مورد جایز

است برای خانواده‌ها جذاب خواهد بود که بدانند در مبارزه با کفار می‌توان از این حيله استفاده کرد.

۸۴. وعده به همسر

در وعده به همسر نیز دروغ جایز است امام جعفر صادق (ع) فرمود: **ثَلَاثَةٌ يَحْسُنُ فِيهِنَّ الْكَذِبُ ... أَوْ رَجُلٌ وَعَدَ أَهْلَهُ شَيْئًا وَهُوَ لَا يُرِيدُ أَنْ يُتِمَّ لَهُمْ**. ترجمه ایمان و الکفر بحار الانوار، ج ۲، ص ۴۶۵» هر دروغی برای دروغگو مسئولیت دارد مگر در سه مورد... و مردی که به خانواده‌اش وعده داده ولی نمی‌خواهد آن را بطور کامل انجام دهد. پیغمبر (ص) فرمود: **«ثَلَاثَةٌ يَحْسُنُ فِيهِنَّ الْكَذِبُ الْمَكِيدَةُ فِي الْحَرْبِ وَ عِدَّتُكَ زَوْجَتِكَ وَ الْإِصْلَاحُ بَيْنَ النَّاسِ وَ ثَلَاثَةٌ يَقْبَحُ فِيهِنَّ الصِّدْقُ النَّمِيمَةُ وَ إِخْبَارُكَ الرَّجُلَ عَنْ أَهْلِهِ بِمَا يَكْرَهُهُ وَ تَكْذِيبُكَ الرَّجُلَ عَنِ الْخَيْرِ**. تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ۱۲، ص ۲۵۲» ای علی سه چیز است که دروغ در آنها جایز است: فریب دادن در جنگ وفا نکردن بوعده‌ای که به همسرت داده‌ای، آشتی در میان مردم.

ای علی سه چیز است که راست گفتن در آن سه زشت است: سخن‌چینی، خبر دادن مرد از خانواده‌اش به آنچه که خوش ندارد، مانع شدن مرد را از نیک. آداب معاشرت از دیدگاه معصومان (ع)، ۱۸۴. بنابراین در شرع مقدس اسلام هیچ بن بست وجود ندارد زیرا اگر دروغ جزو گناهان بزرگ است در موارد خطر و ضرر جایز و عند الضروره می‌توان از آن استفاده کرد.

۹- راه درمان دروغ

اگر انسان به مضرات دروغ دقت نمایند و عاقبت دروغ‌گویان و همین‌طور پیامدهای دروغ را مورد کاوش و مذاقه قرار دهد، سراغ این عمل ناشایست دروغ نخواهد رفت، زیرا، در روایات دروغگو با مرده مساوی شمرده است. شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غرر الحکم، ج ۲، ص ۶۴». اگر فرد به این نتیجه برسد هرگز دروغ نخواهد گفت.

و همین‌طور توجه به برکات راستی و ثواب ترک دروغ، باعث دوری افراد و خانواده‌ها از عمل ناشایست دروغ می‌شود رسول خدا (ص) در مورد ثواب ترک دروغ می‌فرماید: **«أَنَا زَعِيمٌ بِبَيْتِ**

فِي رِبْضِ الْجَنَّةِ وَ بَيْتٍ فِي وَسْطِ الْجَنَّةِ وَ بَيْتٍ فِي أَعْلَى الْجَنَّةِ لِمَنْ تَرَكَ الْمِرَاءَ وَ إِنْ كَانَ مُحِقًّا وَ لِمَنْ تَرَكَ الْكُذْبَ وَ إِنْ كَانَ هَازِلًا وَ لِمَنْ حَسَّنَ خُلُقَهُ. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۶۸، ص ۳۸۸» من ضامن هستم يك خانه را در کنار بهشت و خانه دیگری در وسط بهشت و خانه دیگری در بالای بهشت برای کسی که جدال و لجاجت را ترك کند گرچه ذی حق باشد و برای کسی که دروغ را بکلی حتی موقع شوخی و مزاح ترك کند و برای کسی که خوش اخلاق باشد. الخصال، ج ۱، ص ۱۴۴.

لذا، دقت در عواقب دروغ، باعث نجات جامعه و خانواده ها از این عمل خواهند شد.

نتیجه

در این مقاله تلاش بر این صورت گرفت تا ابعاد گوناگون دروغ و قبح آن برای مردم و خوانوایه ها روشن گردد و پیامدهای منفی این صفت به طور ملموس مورد بحث قرار گیرد تا مایه عبرت و پرهیز مؤمنین و خوانواده از گناه عظیم دروغ گردد از جمله به ویژگیهای دروغ، آثار دروغ از منظر آیات و روایات، آثار دروغ، علل دروغ، موارد جواز دروغ و راه درمان دروغ پرداخته شده است که انشاء الله مورد قبول و استفاده عموم و خوانواده ها قرار گیرد.

کتابنامه

قرآن کریم

نهج البلاغه

- فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، قم، موسسه دار الهجرة، چ: دوم، بی تا.
- ابن درید، محمد بن حسن، جمهرة اللغة، بیروت، دار العلم للملایین، چ: اول، بی تا.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، چ: اول، بی تا.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۴.
- علامه مجلسی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، تهران، اسلامیة، بی تا.
- عزیز الله عطاردی، ترجمه الإيمان و الکفر بحار الانوار، تهران، انتشارات عطارد، ۱۳۷۸.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، دار العلم للملایین، بیروت، چ: اول.
- ابن سیده، علی بن اسماعیل، المحکم و المحيط الاعظم، بیروت، دار الکتب العلمیة، چ: اول، بی تا.
- ابن اثیر جزری، مبارک، النهاية في غريب الحديث و الأثر، قم، اسماعیلیان، ۱۳۶۷.
- شیخ کلینی، الکافی، تهران، اسلامیة، ۱۳۶۲ ش.
- فیروز آبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، بیروت، دار الکتب العلمیة، چ: اول، بی تا.
- زمخشری محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دار الکتب العربیة، ۱۴۰۷ ق.
- آقا جمال الدین خوانساری، شرح آقا جمال بر غرر الحکم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۶ ش.
- عبد الواحد تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، قم، دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶ ش.
- جعفر شهیدی، نهج البلاغة- ترجمه شهیدی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸.
- ابو القاسم پاینده، نهج الفصاحة مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ص، تهران، دنیای دانش، ۱۳۸۲ ش.
- محمد رضا انصاری محلاتی، ثواب الاعمال- ترجمه انصاری، قم، نسیم کوثر، ۱۳۸۲ ش.
- شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.
- <http://avapress.com>
- علی رضا صابری یزدی / محمد رضا انصاری محلاتی، حکم الزاهرة، با ترجمه انصاری، قم، مرکز چاپ

و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵ ش.

موسی خسروی، **مواعظ امامان (ع)** - ترجمه جلد هفدهم بحار، تهران، اسلامی، ۱۳۶۴ ش.

محمد علی مجاهدی، **پاداش نیکی ها و کیفر گناهان**، قم، انتشارات سرور، ۱۳۸۱ ش.

سید علینقی فیض الاسلام، **بنادر البحار** - ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار، تهران، انتشارات فقیه، بی تا، چاپ: اول.

سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، **الدر المنثور فی تفسیر المأثور**، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.

سید عبدالحسین رضائی، **ارشاد القلوب** - ترجمه رضایی، تهران، اسلامی، ۱۳۷۷ ش.

حاج سید جواد مصطفوی، **اصول کافی** - ترجمه مصطفوی، تهران، کتاب فروشی علمیه اسلامی، بی تا، چ: اول.

سید احمد فهری زنجانی، **خصال** - ترجمه فهری، تهران، انتشارات علمیه اسلامی، بی تا، چاپ: اول.

علی اکبر غفاری، **من لا یحضره الفقیه** - ترجمه غفاری، تهران، نشر صدوق، ۱۳۶۷ ش.

محمد حسین صفاخواه، **گلچین صدوق**، تهران، فیض کاشانی، ۱۳۷۶ ش.

مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴ ش.

امین، سید محمد، **آفات زبان**، تهران، افست کیا، ۱۳۷۰.

عزیز الله عطاردی، **اخبار و آثار حضرت امام رضا (ع)**، تهران، انتشارات کتابخانه صدر، ۱۳۹۷ ق.

محمد علی فارابی یعسوب عباسی علی کمر، **آداب معاشرت از دیدگاه معصومان (ع)**، مشهد، آستان قدس، ۱۳۸۰ ش.

محدث عاملی، **تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة**، قم، آل البيت، ۱۴۰۹ ق.

سید ابو الحسن موسوی همدانی، **بحار الانوار** - ترجمه جلد ۶۷ و ۶۸، تهران، کتابخانه مسجد ولی عصر، بی تا، چاپ: اول.